وامر ادر کتابهای قدیم بسیارست و فهم صبیان از ادراک آن قاصر لهذا موقوف داشته اختصار ضوابط
ضروری و مطلوبی نموده شد **فصل اول بجانب اعلی** مکتوب اول بجناب سعادت مآب پیر دستگیر
روشن ضمیر سلام آداب تسلیمات مریدانه بجا آورده بعرض خادمان آستان هدایت نشان میرساند که باعث
مهجوری و سبب دوری از کثرت کارهاست لیکن شوق حصول قدمبوس زیاده از حد بیان ست
انشاء الله تعالی بعد فراغ از امور ضروری سعادت قدمبوس حاصل مینماید آفتاب هدایت و ارشاد دائما
تابان و درخشان باد مکتوب دوم ذات جامع الکمالات حضرت رهنمای سالکان طریق خدادانی
دائما بر سر معتقدان سایه گستر باد مراتب زمین بوسی بجا آورده معروض بندگان جناب ملائک مآب
میدارد بورود افتخار نامه سعادت درین حال گردید هر چند در باب اشتغال وظیفه که از زبان الهام بیان
تلقین یافته ارشاد شده بود حقائق آگاها از برکت توجهات باطنی آن حضرت هرگز از اشتغال
اوراد و وظیفه غافل نیست همیشه تا حصول سعادت قدمبوس امیدوار ارشاد بذریعه سعادت صحائف الطاف
آناً فآناً افادت درخشان باد مکتوب سوم رهنمای سالکان و پیشوای عارفان سلامت شرائط
آستانبوسی بتقدیم رسانیده با هزاران تمنای قدمبوس معروض میگرداند صحیفه هدایت آمود مع
تعویذ بازو که از تفضلات مریدنوازی عنایت شده بود ورود فرمود فراوان سعادت دنیا و آخرت
بحصول پیوست ایزد تعالی سایه بلند پایه آن حضرت همیشه بر سر مریدان مبسوط گرداناد مکتوب چهارم
هادی مراحل خداشناسی سلام تسلیمات معتقدانه بجا آورده بعرض بهره اندوزان بارگاه هدایت میرساند
مدتیست که از مژدهٔ خیریت ذات ملکی صفات خبر نیافته خاطر عقیدت مآثر متردد است امیدوارست
که از چگونگی اوقات مبارک ارشاد فرمایند که جمعیت ظاهر و باطن حاصل شود زیاده بجز تمنای قدمبوس
چه عرض نماید مکتوب پنجم قبلهٔ مریدان و کعبهٔ معتقدان سلام قواعد بندگی و پرستندگی بتقدیم رسانیده
معروض میدارد از برکت توجهات باطنی آن حضرت مطلبی که در خاطر این مرید درست اعتقاد بود بحصول انجامید

مبلغ یکصد و بیست و پنج روپیه نذر خادمان درگاه ارسال داشته امیدوار است که بدرجهٔ اجابت رسد
ابواب ارشاد کشاده بود مکتوب ششم مجمع فضائل منبع فواضل سلامت بعد ادای آداب
عبودیت بعرض بهره اندوزان معتقدان جناب فضیلت مآب میرساند از روزیکه تشریف شریف
بطرف دولتخانه ارزانی فرموده اند اتفاق مطالعهٔ کتب عربی نمی افتد مگر کتابهای فارسی مطالعه میکنند
امیدوار است که از قدوم سعادت لزوم دیدهٔ انتظار متعلمان را مسرور فرمایند که از درس علوم محروم نگردند
هنگامهٔ افاضت و افادت گرم باد مکتوب هفتم فیض بخشای علوم دینی و دنیوی مستلزم آداب کورنشات
فدویانه بجا آورده معروض خدمت فیضدرجت میگرداند بورود سرفراز نامه سعادت فراوان
و جمعیت بیکران حاصل نموده وعدهٔ قدوم فیض لزوم بعد انقضای شهر رمضان المبارک از قلم فیض رقم
آمده بود امیدوار توجهات است که بموجب ایمای تمام شریف تشریف ارزانی فرمانید سایهٔ سعادت پایهٔ آنحضرت
دائما بر سر معتقدان مبسوط باد مکتوب هشتم مخزن علوم سبحانی و معدن فیوض یزدانی سلامت قواعد کورنشات
و شرائط تسلیمات بتقدیم رسانیده بعرض جناب بهره اندوزان حضور کمالات ظهور میرساند صحیفهٔ سعادت بخش
پرتو ورود انگند فوائد کونین و مقاصد دارین حاصل گردانید در باب طلب این کمترین تلمیذان ارشاد
شده بود انشاء الله تعالی بعد یک هفته قدمبوس حاصل مینماید آفتاب هدایت تابان باد ++
مکتوب نهم کاشف علوم غریب واقف فنون عجیب حضرت میان جیو سلامت کمترین شاگردان
فدویت آگین شهاب الدین تسلیمات فدویانه و کورنشات شاگردانه بجا آورده معروض فیض اندوزان
خدمت سراپا برکت میگرداند منوال بورود نوازشنامه سرفراز نشده خاطر عقیدت مآثر متردد است امید انواع
ستوده صفات آن دارد که با صدای کرامت صحائف مشتمل بر مژدهٔ خیریت ذات تسلی حضرات بخشند زیاده
بجز آرزوی قدمبوس چه عرض نماید مکتوب دهم مولوی صاحب قبله و کعبهٔ معتقدان سلامت لوازم بندگی
و شرائط سرافگندگی بجا آورده معروض رای بیضا ضیای میگرداند از روزیکه جناب صاحب [illegible]

عنایت نامجات یاد نفرموده موانع آن بجز حیرت و تشویش خاطر اهم ، یا رب مباد توقع از توجهات به
اندازه که از ثمره ذات ملکی صفات اطلاع بخشند که جمعیت ظاهر و باطن بحصول پیوندد ظل عاطفت بر سر خادمان
مبسوط باد مکتوب یازدهم قبله حاجات دو جهانی و کعبه مرادات جاودانی سلامت شرائط عبودیت
و بندگی و ضوابط فدویت و سرافگندگی بجا آورده معروض خدمت سراپا برکت میگرداند روداد
این حدود مستوجب شکر ایزد بیچون است و صحت و تندرستی ذات جامع الصفات از حضرت آفریدگار عالم
وارد سرفراز نامهٔ سعادت آمود ورود فرمود مالا مال خرمی و هزاران جمعیت حاصل ساخت و آنکه تاکید
بابت تحصیل علم در حق کمترین فرزندان در تحت قلم نوازش رقم شده بود سرمایهٔ سعادت و بهبود خود دانسته
بنابر اشتغال آن هر در خدمت مولوی صاحب قبله حاضر میباشد ظل عاطفت آن مربی دو جهان همیشه
بر مفارق فرزندان مبسوط باد مکتوب دوازدهم قبله کونین و کعبهٔ دارین مد ظله العالی مراتب کورنشات
فدویانه بجا آورده معروض خادمان جناب سعادت مآب قبله گاهی ولی النعمی چه وسیله بورود نوازشنامهٔ
شریف جمعیت تازه و دولت بی اندازه حاصل نمود در باب ارسال خیمه و فرش وغیره اشیای همراهی که
ارشاد شده بود حسب الامر یک منزل خیمه و دو جفت شطرنجی بر چهکڑه بار کرده ارسال داشته و دیگر اشیای
مطلوب همراه مبارک خدمتگار از عقب روانه میسازد دولت جاودانی همقرین روزگار عالی باد
مکتوب سیزدهم قبله آمال و امانی خداوند نعمت ولی النعمی صاحب سلمه الله تعالی بعد تقدیم شرائط عبودیت و آرزوی
حصول سعادت قدمبوس که عمدهٔ مقاصد کونین است معروض رای عالی میگرداند حال اینجا بالاجمال خیریت
و ثمرهٔ سلامتی ذات آنخداوند خدایگان روز و شب مستدعیست از خدمتعالی مرخص گشته در لشکر ظفر پیکر
بندگان نواب عمدة الملک بهادر رسیده ملازمت خان صاحب داروغهٔ کچهری حاصل نمود خان صاحب حسب
توجهات قدیم مرعی فرموده امیدوار روزگار نموده اند انشاء الله تعالی وقتیکه بخدمتی منصوب خواهد شد
بجناب عالی اطلاع خواهد نمود زیاده چه عرض نماید مکتوب چهاردهم قبله صوری و معنوی و کعبهٔ

دینی و دنیوی حضرت قبله گاهی حیوسلمه الله تعالی آداب تسلیمات فرزندانه و قواعد کورنشات فدویانه
سودی ساخته بعرض عالی میرساند نوازشنامه سعادت آمود ورود فرمود سرفرازی بیکران عبودیت
دراوان بخشید هندوی مبلغ یکهزار پانصد روپیه که مصحوب هوشمند خدمتگار بزرگان گلاب رای ساهوکار
بلده لکهنو عنایت شده بود مطابق ارشاد آن قبله گاهی دوجهان از مذکور از دکان ساهوکار مذکور بسبب آنکه ورود
رسید هندوی سطور بحواله ساهوکار نموده شد ذات بابرکات دائما بر سر فرزندان سایه گستر باد
مکتوب پانزدهم [15] بنام میان صاحب قبله خداوند خدایگان کعبه مراد دوجهان سلامت بعد ادای آداب فدوی
معروض میدارد احوال اینجا مقرون بحمد ایزد است مژده خیریت ذات بابرکات دمبدم از درگاه
الهی مسالت مینماید از روزیکه متوجه بسمت لشکر فیروزی اثر بندگان نواب صاحب قبله دام اقباله اند
باصدار تسلی نامجات یاد نفرموده اند خاطر فدویان متردد است لهذا راجو قاصد را رخصت نموده میدارد
که از مژده خیریت مهای ذات واصفات حقیقت نوکری مفصل ارشاد فرمایند که جمعیت خاطر بحصول انجامد عمر و دولت
در ترقی باد مکتوب شانزدهم [16] بنام عموی صاحب قبله خدایگان سلامت آداب عبودیت بندگی بجا آورده
التماس میدارد عنایت نامه پرتو ورود انگند جمعیت بی انتها بخشید در باب طلب فدوی رقام نموده بودند
خواسته بود که بموجب امر شریف خود را روانه خدمت عالی نماید لیکن بسبب بعضی کارهای ضروری
توقف نمود انشاء الله تعالی بعد دو سه روز از امور ضروری فراغت نموده نعمت ملازمت حاصل مینماید
سایه عاطفت آن مربی دوجهان ام بر سر فرزندان مبسوط باد مکتوب هفدهم [17] بنام عموی صاحب خدایگان
مربی دوجهان سلامت بعد از مراسم فدویت و سر افگندگی بجا آورده معروض میدارد مدتی که بورود الطاف قائم
جمعیت اندوز نشده میدا از اشتیاق مرسولات که خلاف ماضی از صدور عنایت نامجات ممتاز نفرموده باشند
که جمعیت ظاهر و باطن از نست یک حقه بیدری نقرئی برای آنحضرت خدایگان ارسال نموده بنظر فیض اثر خواهد گذشت
مقبول خاطر گرامی خواهد بود زیاده بجز بندگی چه عرض نماید مکتوب هجدهم [18] بنام خسر فیض رسان سجده گاه

دو جہان سلامت بعد تقدیم شرائط بندگی و آرزوی حصول سعادت ملازمت کہ خلاصہ مقاصد ست
معروض خدمت فیضدرجت میگرداند مبلغ پانصد روپیہ برای خریدیک راس اسپ کی بدست شیخ اسلم
خانسامان مرحمت شدہ بود حسب الامر نخاس رفتہ اسپان را ملاحظہ نمودہ یک راس اسپ کی جوان و اسپ
قابل سواری آنخداوندگان بقیمت مبلغ پانصد و پنجاہ روپیہ مقرر نمودہ پنجاہ روپیہ دیگر عنایت شود کہ اسپ
مذکور خریدہ ارسال نماید عنان سمند مقصود در قبضۂ آرزوی خادمان باد مکتوب نوزدہم
عمو بحضور صاحب قبلہ فیاض زمان سلامت بعد تقدیم شرائط فدویت و لوازم تسلیم عبودیت معروض میگرداند
احوال اینجا مقرون بحمد ایزد متعال است مژدۂ تندرستی ذات الاصفات دائما مطلوب نوازش نامہ
مع یک چیرہ و فوطہ گجراتی مسعود فرمود نشاط و جمعیت بی انتہا حاصل گردید سبحانہ تعالی آن مربی دو جہان
دیرگاہ سلامت با کرامت دارا و زیادہ چہ عرض نماید مکتوب بستم قبلہ اقبال و امانی سلامت فدوی سلام
آداب کورنشات و بندگی بجا آوردہ معروض میدارد عنایت نامہ مشتمل بر طلب یک شیشہ گلاب در وقت خاص
مشرف ورود فرمود مفتخر ساخت مطابق ایمای شریف شیشہ گلاب مع آتشہ ارسال داشتہ اگر دیگر
مطلوب باشد ارقام خواہند فرمود کہ سعادت خود دانستہ ارسال خواہد داشت زیادہ چہ التماس نماید
مکتوب بست و یکم اخوان صاحب قبلہ فیض رسان سلامت بعد تقدیم آداب بندگی معروض
نحدمت بہرہ اندوزان حضور میرساند عنایت نامہ ورود فرمود ہزاران خرمی و جمعیت حاصل گردید ارادہ لشکر
ظفر پیکر سرکار نواب صاحب فیروز جنگ ارقام فرمودہ بودند حق تعالی در ہمہ جا و ہمہ حال حافظ و ناصر بودہ مطالب
دلخواہ فائز گرداناد و امید از الطاف مربیانہ آنست کہ بمجرد رسیدن لشکر خبر خیریت اثر بدست آیندگان
نگارش خواہند فرمود کہ تسلی ظاہر و باطن از آنست زیادہ دولت جاوید روزی باد مکتوب بست و دوم
بعالیجناب قبلہ خداوند خداوندگان سلامت مراتب فدویت و بندگی بجا آوردہ التماس میدارد کہ احوال
اینجا مقرون بخیریت است مژدۂ صحت و سلامتی ذات بابرکات علی الدوام از درگاہ الہی مسئلت دارد سابق

در مقدمه شادی برخوردار سعادتمند ڈالچند بخانه صاحب رای ساکن قصبه علی نگر بخدمت گرامی
التماس نموده بود اگر خود بدولت قبول فرمایند رسوم نسبت بظهور آید قاصد را محض برای کار
فرستاده شده امید که زود جواب غرضی مرحمت فرمایند جمعیت افزا باد مکتوب بست و سوم[23]
دادا صاحب خدایگان مربی فیض رسان سلامت شرائط بندگی و عبودیت بجا آورده معروض میرساند
سوانح این نواحی مستوجب شکر الهی است نوید سلامتی ذات مبارک آن خدایگان روز و شب
مرجع ساقط یعنی چیزیکه ظاهر شود کسی را ۱۲
از حضرت صمدیت مسألت می نماید صحیفه اشفاق پرتو ورود افگند جمعیت و انشراح وافر بخشید مبلغ دو صد روپیه
کشادگی / بسیار ۱۲ / اتفاق
جهت خرید پارچه عنایت شده بود بموجب تمام شریف پارچه خرید کرده فرستاده شد تعداد تهانها و قیمت
از فرد علحده روشن و هویدا خواهد شد زیاده چه عرض نماید مکتوب بست و چهارم[24] دادا صاحب
قبله و جهان سلامت بعد تقدیم شرائط بندگی التماس میدارد طلعت نامه ورود فرمود معزز و ممتاز ساخت
در باب گذرانیدن عرضی بجناب میر صاحب قبله حصول جواب امر شده بود مطابق فرموده شریف عرضی
موافق ۱۲
گذرانیده جواب حاصل نموده ارسال داشته همیشه امید ارشاد خدمات است عمر و دولت در تزاید باد
مکتوب بست و پنجم[25] بهائی صاحب خدایگان پشت پناه برادران سلامت مراتب بندگی غلامی تقدیم رسانیده
معروض میدارد در این روزها باصدار عنایت نامجات یاد نفرمودند خاطر فدوی متردد است امیدوار توجهات
مربیانه آن دارد که از روداد خیریت نهاد ارشاد فرمایند که تسلی ظاهر و باطن حاصل شود چند روز که
سابق برای خرچ خانه عنایت شده بود بخرچ درآمد امیدوار است که چیزی خرچ دیگر مرحمت شود زیاده چه التماس نماید
مکتوب بست و ششم[26] خالو صاحب قبله خدایگان فیض بخش و فیض رسان سلامت بعد تقدیم بندگی
کرو وظیفه مستمندان است معروض رای خورشید ضیای میگرداند عاطفت نامه شفقت آمود عز ورود فرمود
جمعیت فراوان و نشاط بی پایان حاصل گردید مبلغ پانصد روپیه که از راه توجهات مربیانه عنایت شده بود
رسید هزاران جمعیت فارغ البالی بخشید حق تعالی آن مربی فیض رسان را تا دیرگاه بر سر فدویان سلامت دارد

زیاده بجز شکر توجهات چه عرض نماید مکتوب بیست و هفتم ماموں صاحب قبله خداوندگان تکیه‌گاه
بیکسان سلامت شرائط عبودیت و بندگی بجا آورده التماس میدارد مدتست که بورود عنایت صحایف
ممتاز نگردیده از توجهات سرمایه بسی بعید نموده امید از عاطفت بیکران آنست که برخلاف ایام گذشته
باسدار عنایت نامجات یاد و شاد میفرموده باشند که تسلی و تقویت ظاهر و باطن ازانست دولت
واقبال روزافزون باد مکتوب بیست و هشتم ماموں صاحب قبله آمال و امانی سلامت بعد تقدیم مراتب عبودیت و
بعرض خدمت فیضدرجت میرساند نوازشنامه مشتمل طلب فدوی شرف صدور یافت معزز و ممتاز فرموده
خواسته بود که بموجب امر شریف خود را بهره‌اندوز خدمت گرامی سازد لیکن بسبب بارش باران و کثرت آب
و خلاب و ترقف نموده وقتیکه بارش فرصت میدهد و راه خشک میشود زود بسعادت ملازمت فایز خواهد شد
ذات بابرکات دائما بر سر فدویان سایه‌گستر باد مکتوب بیست و نهم ماموں صاحب قبله خداوندگان
فیض بخشای تمنایان سلامت لوازم فدویت و بندگی که موجب سعادت ابدیست بتقدیم میرساند التماس میدارد
سابق امر شده بود که در ماه بیساکه قاصد مع خرج خواهد رسید چون مدت منقضی شده ناچار بعد انتظار بسیار
قاصد اسد روپیه اجوره مقرر نموده روانه کرده امیدوار است که بدست قاصد هرچه در خاطر مبارک باید برای
خرج عنایت فرمایند زیاده چه عرض نماید مکتوب سیم ماموں صاحب قبله فیض رسان بیکسان سلامت
آداب عبودیت بجا آورده التماس می‌نماید که فدوی از چهار ماه معطل در خانه نشسته هست اگر در سرکار دولتمدار
نواب نامدار گنجایش روزگار باشد یک قطعه پروانه بمهر خاص حاصل نموده عنایت سازند که ساز و سرانجام
تیار کرده خود را بلشکر ظفر پیکر رساند زیاده چه التماس نماید مکتوب سی و یکم غریب پرور سلامت از جناب عالی
رخصت یافته در پرگنه رحیم‌نگر رسید حال پرگنه دریافت نمود بسبب سختی عامل سابق رعایای پرگنه
پریشان و فرار شده بودند هر همه را تسلی و دلاسا نموده آباد کرده ام چون هنگام ترددست و اکثر دیهات
نرکاوان فلاخیست که تردد کشتکاری نمایند لهذا امیدوار فضل و کرم ست که مبلغ پانصد روپیه از سرکار

عنایت شوند که تقاوی داده تردد کنانیده جمیع سرکار مع تقاوی باقی حصول نماید واجب بود بعرض رسانید
مکتوب مسمی [32] دوم غریب پرور سلامت پروانه کرامت نشانه در باب ارسال خزانه ورود فرمود سعادت و سرفرازی
بخشید مطابق ارشاد مبلغ پنجهزار روپیه که موجود بود همراه میر سلطان علی وغیره سواران برادر فیض الله
ارسال نموده اغلب که داخل خزانه سرکار خواهد شد امیدوار از فضل و کرم ست که بمتصدیان امر شود که خالصه
زر باقی مرسله حواله سواران مسطور نموده زود رخصت نمایند انشاء الله تعالی از عقب خزانه معقول
سرانجام نموده ارسال میدارد واجب بود بعرض رسانید مکتوب مسمی [33] سوم غریب پرور سلامت رعایای
اکثر دیهات این پرگنه باقی سرکار بر ذمه خود گرفته در پرگنه دولت آباد علاقه میرزا انور بیگ سکونت گرفته اند
هر چند که فدوی دو سه مرتبه بخدمت میرزا مذکور برای اسامیان فراری نوشته لیکن میرزا مسطور توجه
نمیشوند و نظر بر سرکار و اخذ زر نمیکنند امیدوار از فضل و کرم ست که یک قطعه پروانه بنام مشار الیه صحوب چیله سرکار در
که اسامیان را حواله کسان فدوی نمایند که بجای خود آمده آباد شده در سرانجام زر باقی تردد آینده مشغول باشند
واجب بود بعرض رسانید مکتوب مسمی [34] چهارم غریب پرور سلامت دستک پنج سوار که بنام غلام در باره طلب باقی
سال گذشته تعین شده غلام روبرو عرض کرده بود که این زر در سال سرانجام خواهد شد امیدوار از فضل و کرم ست که دستک
سواران رسید شود تا قبل آنچه امسال سرانجام خواهد یافت یا قصور تنخواه شده تتمه در سال آینده خواهد بود و غلام تنخواه
ذره فرمانبردار سر مو هرگز در شرایط فرمانبرداری و مالگزاری تقصیر نخواهد کرد واجب بود بعرض رسانید عمر و دولت زیاد
مکتوب مسمی [35] پنجم غریب پرور سلامت بورود پروانه سعادت آمود سرفرازی و ممتازی حاصل نمود در باب طلب فدوی بهم خزانه
حکم شده بود حسب الامر در تدابیر فراهم آوردن زر نقد ست انشاء الله تعالی در عرصه یک هفته زر جمع نموده سعادت
ملازمت حاصل نماید امیدوار ست که بمتصدیان حضور امر شود تا رسیدن غلام از دستک سواران معاف دارند
واجب بود بعرض رسانید مکتوب مسمی [36] ششم خانصاحب قبله خداوند نعمت دو جهان سلامت آداب عبودیت
و فرمانبرداری بجا آورده بعرض خادمان جناب فیض مآب میرساند نوازشنامه سعادت ورود عشرت

سرفرازی و بنده نوازی گردید در باب ارسال خزانه و تقید تحصیل آن امر شده بود بنده نوازا زریکه تحصیل
شده بود دیروز مع خرم بیگ وغیره سواران حضوری ارسال داشته یقین است که داخل فوطه خانه سرکار شده باشد
و از تاکید تحصیل زر یکساعت غافل نیست باقبال عالی زر سرکار زر بقیت تحصیل نموده متواتر ارسال حضور میدارد
رجب بود بعرض رسانید مکتوب سی و هفتم خانصاحب قبله خدایگان فیض رسان سلامت درین ایام
فرخنده فرجام بگوش دعاگویان تمام رسیده که خدمت جلیله داروغگی پرگنات علیحده بنام نامی از حضور
فیض گنجور بندگان نواب مستطاب سرفراز گشته معهذا امیدوار اند که از استماع این خبر فرحت اثر چندان
انشراح خاطر و جمعیت ظاهر و باطن بحصول پیوسته که بیان آن در تبیان راز است ایزد سبحانه تعالی مبارک
و فرخنده ساخته دولت روز بروز افزون گرداناد امیدوار از توجهات معهودی اینست که از دولتخواهان قدیم تصور
نموده همیشه باصدار سرفرازنامجات خبر و کل ضروریات ممتاز میفرموده باشند دولت و اقبال مستزاد باد
مکتوب سی و هشتم خانصاحب خدایگان فیض رسان سلامت لوازم بندگی بجا آورده التماس میدارد
بورود الطاف صحیفه خیلی جمعیت و انبساط حاصل نمود در باب گذرانیدن عرضی و دستخط شدن موافق استدعای
شریف ایما شده بود مطابق ارقام گرامی هنگام خلوت صبح بنظر مبارک خانصاحب قبله گاه گذرانیده
بحسب آرزوی آن فیض رسان مزین به دستخط کنانیده ملفوف عریضه ارسال داشته شد امید از توجهات که مخلص را
یکی از ملازمان دولتخواه تصور نموده بارشاد خدمات لائقه معزز میفرموده باشند که سرانجام آن سعادت دارین
میدارد عمر و دولت در تزاید باد مکتوب سی و نهم میرزا صاحب خدایگان مربی فیض رسان سلامت سرفرازنامه
متضمن بر طلب زر ورود فرموده اعزاز و امتیاز بخشیده بنده نوازا انهگی پنجهزار روپیه در پرگنه از جمع سال تمام
باقیست و هنگام تردد آینده در پیش آمده اگر درین وقت زر از رعایا طلب کنند خلل در تردد آینده میشود
صلاح دولت آنست که ده پانزده روز را مهلت شود انشاء الله تعالی درین عرصه از تردد خاطر جمع کرده
باقی زر سرکار تا آخر این ماه وصول نموده ارسال خدمت اشرف خواهد داشت غره رجب بود بعرض رسانید مکتوب چهلم

میرزا صاحب قبلهٔ خداوند فیض رسان سلامت مراتب عبودیت بندگی بجا آورده بعرض میرساند و انعوذان
جناب فیض مآب میرساند و ورود نوازشنامهٔ فیض آمود باعث سرفرازی گردید در طلب نهالهای نارنگی شفتالو
ارشاد بود بنده نوازا باغبان سرکار را حکم شود که در باغچهٔ فدوی رسیده هر قدر نهالهای مطلوب خواهند ببرند
امیدوار توجهات است که همیشه بارشاد خدمات ممتاز میشده باشند الٰهی شجرهٔ دولت بثمرهٔ مراد بارور باد
مکتوب چهل و یکم [۴۱] میرزا صاحب قبله و کعبهٔ مراد دو جهان سلامت آداب تسلیمات خادمانه بجا آورده معروض میدارد
خدمت با برکت میگرداند ایام و راز منقضی گشته که این مهجور الخدمت بیاد دعا گذرانیده از توجهات بزرگانه امیدوار
که باعث تسلی نامجات متواتر بهره مند و کامیاب میشده باشد و رسولا دو تهان چهیت اکبرآبادی شخصی ابری بنده
فرستاده بود بنده قابل سرکار دانسته ابلاغ خدمت نموده امیدوار که درجهٔ پذیرائی یابد زیاده حد ادب مکتوب
چهل و دوم [۴۲] میرصاحب قبلهٔ خدایگان سلامت مراتب بندگی بتقدیم رسانیده معروض خدمت فیض درجت میگرداند عنایت نامه
موجب عز و جمعیت و امتیاز تازه گردید درباره طلب مبلغ زمیندار موضع کهمی پور که ضمانی سکهدیو سنگه زمیندار آن گنه
دولت نگر نوشته ارشاد بود خدایگان من امور زمیندار مسطور ظاهر مینماید که سکهدیو سنگه در ماه ساون در کچهری حاضر کرده
از ضمانی بری الذمه شده ام لیکن متصدیان بعلت طمع تمسک را از دفتر جدا نکرده اند در ینباب چه امر شود تعمیل آرد
واجب دید بعرض رسانید مکتوب چهل و سوم [۴۳] میرصاحب خدایگان فیض رسان سلامت شرائط بندگی و خدمتگزاری
بجا آورده ملتمس میشود در مدت صحیفهٔ پر نور ورود نگشته بهره مند و سعادت اندوز گردانیده اند در باب جاگیر چهتا گلاب رای منشی
تعلق آمده بود بموجب ارشاد تمام شریف تا مقدور خود در خدمت نور مشار الیه قصور نخواهد شد همیشه امیدوار ارشاد خدمت است
واجب دید بعرض رسانید مکتوب چهل و چهارم [۴۴] میرصاحب خدایگان فیض رسان خوانان سلامت قواعد عبودیت و بندگی
بجا آورده التماس میدارد رعایای موضع فرید نگر علاقهٔ فدوی دادخواه هستند که عامل پرگنهٔ دولت آباد بموجب آزار ایشان نهایت
میرساند از ذات بابرکت که دادگستر رعیت پرور است امیدوار است که یک قطعه پروانه بنام عامل مذکور عنایت شود که باعث
آزار و ضرر رعایای موضع مذکور نشود خورشید اقبال و جلال دائماً تابان باد مکتوب چهل و پنجم [۴۵]

شیخ صاحب قبله خداوند خدایگان سلامت سرفراز نامه متضمن طلب کهاران جهت پالکی سرکار ورود فرمود
سرفراز بخشید حسب الامر ده نفر کهاران به ماهیه پنج روپیه فی نفر مقرر نموده روانه ساخته همیشه امیدوار صحائف عنایات
میباشند زیاده برکت و جلال ایام مزید باد **مکتوب چهل و ششم** شیخ صاحب فیض رسان سلامت بعد گزارش لوازم بندگی
و تمنای خدمت شریف التماس میدارد که زمینداران موضع رام نگر را مبلغ پانصد روپیه که از ابتدا از مهاجن بموجب
فرموده آن فیض رسان بوعده ماه کنوار بطریق تقاوی دهانیده بودم چنانچه ماه اگهن هم آخر شد زمینداران
مذکور زر مهاجن نرسانیده و مهاجن طور از بنده متقاضی است شدید میدارد لهذا قصد ایداده می آید که زمینداران را
تاکید فرمایند که زر مهاجن مع سود ادا سازند که آینده را ساهوکاران دستمعار باشند زیاده جمعیت کامرانی باد
مکتوب چهل و هفتم شیخ صاحب والا لطف و احسان سلامت بعد اظهار شرائط عبودیت و آرزو حصول نعمت ملازمت
معروض میدارد بورود الطاف نامه عاطفت ابلاغ موجب سرفرازی و جمعیت خرمی حاصل گردید از راه توجهات در مقدمات
خیرخواه موجب التماس وکیل بارها بقلم اشفاق رقم آمده بود و موجب هون عاطفت سامی گردید بنده بدربار آن ذات
ستوده صفات امر کلی خود میداند توقع بسر انجام کارها در بار از دستگیری شریف همین است از ایزد سبحانه تعالی باین خوبی
و بزرگی تا دیرگاه سلامت داشته بمراتب الا لقه دلخواه ساخته خیرخواه را از خود تصور فرموده همیشه از عنایات نامجات خدمات لائقه
ممتاز میکرده باشند دولت و اقبال بیزوال باد **مکتوب چهل و هشتم** شیخ صاحب خدایگان منبع الجود والاحسان سلامت
قواعد بندگی و مراتب عبودیت و مستمندی بجا آورده معروض خدمت اپابرکت میگرداند از نوشته اخوی
میر فیض الله مندرج یافته شده که بندگان نواب صاحب قبله ام قبالد و صد سوار دیگر در رساله شریف اضافه فرموده اند کفا صاحب
در رساله سواران هستند باستماع این خبر خیلی بهجت و جمعیت حاصل گردید چون برخوردار قدرت الله عاطل
در خانه نشسته است لهذا التماس مینماید که سر قدر سواران شاد شود همراه برخوردار مذکور روانه خدمت گرامی نموده
شرائط بندگی بجا آورده سعادت دارین حاصل سازد زیاده جمعیت و اقبال دائما در ترقی باد **مکتوب چهل و نهم** شیخ صاحب
مهربان فیض رسان یکسان سلامت بعد تقدیم وظائف نیازمندی مشهود ضمیر منیر فیض تصویر میگرداند سابق زبانی وکیل در بارند

کاگر مخالص کدام مریاد ملاقه شریف بطور معهود تعهد است عا نماید دریغ نخواهد بود و درین ولا که هیچ شغل پیش نیست
میخواهد که موضع [illegible] پور را تردد کنانیده از دستگاه انجام نماید و قدری هین برای وجه قوت متعلقان علیحده از جمع سرکار
کشتکاری کنانند امیدوار دستگیری مشفقانه است که پته موضع مسطور بجمع سال گذشته عنایت شود که موجب آن
قبولیت نوشته حواله وکیل نماید و در قبولیت بلا عذر ادا سازد زیاده چه التماس نماید مکتوب پنجاهم دیوان صاحب قبله
خداوندگان [illegible] مهربان سلامت لوازم عبودیت بتقدیم رسانیده معروض رای مهر انجلای میگرداند مبلغ پنجهزار روپیه
از تعلقه بنده معرفت فتح چند وکیل داخل فوطه خانه سرکار شده متمنی آن که رسید داخل خانه تغافل ننمایند
توجهات بزرگانه آن داره که بتصدیق [illegible] نیستوکه داخله زر مذکور حواله وکیل نماید بنده از خدمت سامی قدیم است
شایسته آنست که اگر کار دیگر کسی پیش آید بلا توقف کچهری بر آورده هند اینکه برای کار خود [illegible] منتظر باشند آینده
بخلاف گذشته متوقع بمطالب نخواهد است دولت کامرانی جاودانی باد مکتوب پنجاه و یکم دیوان صاحب دستگیر بندگان
بیکسان سلامت الطاف قدسیه نیازمندی بجا آورده معروض خدمت با برکت میگرداند استماع یافته که خدمت
پیشکاری پرگنه فیروزآباد و غیره از حضور عالی متعالی بنام نامی صاحبزاده بلند اقبال مقرر شده ازین خبر نهایت انشراح
ظاهر و باطن بحصول پیوست چون بنده از چهار ماه بیکار [illegible] آستانه دولت دولتخانه خود دست التجا آورده
کاگر خط مهر خلاص [illegible] روزگار [illegible] صاحبزاده عنایت شود عنایت بنده نوازی [illegible] اقبال
در تزاید باد مکتوب پنجاه و دوم دیوان صاحب شفق [illegible] اظهار مراسم بندگی آرزوی
خدمت شریف التماس [illegible] عنایت نامه مشتمل طلب [illegible] شرف [illegible] موجب واقف
گردیده موافق [illegible] الطلب [illegible] حواله نموده تا [illegible] گردیده [illegible] انشاء الله تعالی
از عقب [illegible] جمع کرانده [illegible] سال [illegible] بنده [illegible] خود [illegible]
زیاده چه التماس نماید مکتوب پنجاه و سوم دیوان صاحب شفق [illegible] سلامت لوازم [illegible] بتقدیم رسانیده
مشهود ضمیر فیض تصویر میگرداند سابق [illegible] تنخواه مبلغ پنجهزار روپیه بنام [illegible] اعظم بیگ خان علاقه بنده

صادر شده بود چنانچه فدوی از تنخواه دار وعده کرده در ته بیارای زر تنبیه است از نوشته وکیل مسبار
معلوم شد که دیگر پروانه تنخواه سه هزار روپیه بنام شیخ دست محمد بر علاقه بند تیار میشود چون مبلغ تنخواه
سابق بیباق نشده و هنگام تحصیل نیست امیدوار از دستگیری بپایه آنکه تنخواه شیخ مسطور بجای دیگر فرمایند که
از تقاضای مردمان سپاه عهده برائی نمیتوان شد زیاده چه عرض نماید مکتوب پنجاه و چهارم دیوان صاحب
قبله فیض رسان سلامت مراتب عبودیت و بندگی بجا آورده معروض خدمت فیض منزلت میگرداند تعلقه پور
را نخست بمجمع سال گذشته تنخواه مبلغ پانصد روپیه نذرانه آن فیض رسان قبول میکنند چون مکان بی تردد است
از تعهد تردد هم میشود و در سرکار هم بلا هیچ سربندی سر انجام میباید اگر این معنی صورت بندد بهتر مخلص کرا
و دولتخواهی التماس نمود ظل دولت ممدود باد مکتوب پنجاه و پنجم لاله صاحب قبله فیض رسان سلامت شرائط عبودیت
و رسمیت بجا آورده معتر خاطر فیض پیرای میگرداند باستماع نوید تفویض خدمت توشکخانه سرکار دولتمدار
نواب فلک جناب قدر صفات جمعیت بی اندازه حاصل گردید او سبحانه تعالی مبارک و فرخنده گرداناد
و بنده بدستور برفاقت شیخ صاحب فیض رسان رحیم نگر استقامت میدارد امید از فضل و کرم کریمانه است که مخلص
ملکی از وابستگان خود تصور فرموده باستمرار عنایت ناجحات معزز و ممتاز میفرموده باشند زیاده جمعیت باد
مکتوب پنجاه و ششم خانصاحب قبله فیض رسان سلامت بعد اظهار مراسم فدویت نیازمندی بخدمت
سراپا سعادت التماس میدارد میر فضل الله ساکن قصبه جلال آباد برای تیاری پروانه معافی که خود
بعضو فیض گنجور میرسند از آنجا که خدمت این طائفه علیه مستوجب دعا و ثناء عظمی است لهذا التماس میدارد که
هر قدر توجهات درباره حصول مطلب میر صاحب مبذول خواهد شد نیازمند مرهون منت […] جهان […]
خواهد گردید و حدیث نبوی صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم مؤکد این معنی است خیر الناس من ینفع الناس
او سبحانه تعالی ترقی عمر و دولت مزید گرداناد مکتوب پنجاه و هفتم لاله صاحب مهربان فیض رسان سلامت بعد […]
بندگی و نیاز التماس میدارد که نوشته گلاب رای وکیل دریافت شد مشتمل بر این که […] حق التحریر […] داد […]

نشانی نمیکنند لهذا مستدعی خدمت گرامی میشود که هرچه در تحریر تفصیلیان ازدکیل استدعا نمایند از
گماشتهای دکان منارام ساهوکار بدهانند که داخل حساب شده نزد مخلص برسند انشاء الله تعالی زر مذکور بتقاضا
رسانیده خواهد شد زیاده چه بطراز د مکتوب پنجاه و هشتم لاله صاحب خدایگان دستگیر درماندگان سلامت بعد تقدیم
شرائط بندگی و تعظیم التماس میدارد که شیخ بدرالدین بعلت ضامنی بتقدیرات الله در بندیخانه محبوس شده اند همگی
مبلغ دو صد روپیه بابت جنس عالمگیری بجمله ضامنی بابت شیخ مذکور میگویند که اگر خلاصی شود در یکماه زر مذکور
سرانجام کرده برسانم چون ذات جامع الحسنات در کار خیر بی احتیاج است لهذا عرض مینماید که بعرض بندگان
خانصاحب قبله مقبله رسانیده در انچه مخلصی مشار الیه شود توجه مشکور مبذول فرمایند معبود (؟) بر مخلص منت عظمی
خواهد شد الله تعالی نتیجه خیر راست گرداناد مکتوب پنجاه و نهم لاله صاحب مهربان ملجا غریبان و بیکسان
سلامت بعد گذارش مراسم نیاز مندی که وظیفه مستمند است ملتمس میشود خلاص دستگاه میر قدرت الله سپاهی بی لطف (؟)
از گردش زمانه افلاس تمام بحال همراه یافته بوسیله نیاز نامه عازم خدمت گرامی گردید از انجا که او سبحانه تعالی
دستگاه بخشیده باعث نفع خلائق گردانیده است اگر توجهی بحال مشار الیه مبذول شود از غریب نوازی بعید
نخواهد بود زیاده جمعیت مغتنم باد فصل دوم بطرف ادنی نویسد مکتوب شصتم برخوردار نور چشم
راحت جان طول عمره همواره در حفظ حافظ حقیقی بوده از عمر و زندگانی بهره یاب باشند بعد دعوات مزید حیات
مطالعه نمایند احوال اینجا مستوجب شکر است و سلامتی آن نور چشم دائما مطلوب است روزیکه آمدن اینجانب در لشکر
شد خبر خیریت آن برخوردار نرسید خاطر بسیار متردد است لهذا قاصد مع هندوی مبلغ دو صد روپیه بکار (؟)
گلاب رای ساهوکار متوطن بلده فتحپور فرستاده شد لازم که زر مذکور از ساهوکار گرفته رسید نوشته بفرستند
و خاطر جمع شوند و در تحصیل علم سعی بلیغ نمایند که سعادت دنیا و عقبی از انست زیاده چه مکتوب شصت و یکم
برخوردار نور چشم سعادت اطوار کامگار طول عمره بعد ادعیه وافیه و شوق دیدار فرحت آثار مکشوف خاطر عزیز
خط مسرت نمط مع خطوط عظیم آباد رسید باعث هزاران نشاط و خرمی گردید حقیقت آمدن خود همراه شاه صاحب

که نوشته بودند باید که سرگاه شاه صاحب روانه مکان متعلقه شوند برخوردار نیز همراه شوند
که در عالم نوکری اطاعت و رضامندی آقا ضرورست بفضل الهی آن برخوردار خود دانا هستند
در باب احتیاج مبالغه نیست زیاده بجز شوق چه نوشته آید مکتوب شصت و دوم برخوردار سعادت اطوار
نجسته فعال طول عمره بعد دعوات درازی حیات مطالعه نمایند درین روزها خط آن برخوردار نرسیده خاطر
متردد است بنابران قاصد است مبلغ یکصد و پنجاه روپیه فرستاده شد لازم که مبلغ مزبور بنگارند
و مبلغ پنج روپیه منجمله زر مرسوله مشیخت پناه فضیلت دستگاه شیخ عبدالله اخوند را خواهند داد و در نوشتن و خواندن
نوعی سعی دلسوزی شبانه روزی بکار برند که زود در فن انشا بهره وافی حاصل شود زیاده عمر باد مکتوب
شصت و سوم برخوردار سعادت آثار شایسته کردار طول عمره بعد دعا مزید حیات و ترقی درجات
مطالعه نمایند که احوال این نواحی بخیریت است خیریت آن برخوردار مطلوب است چنانکه من در لشکر آمده ام
خط آن برخوردار وصول نگردیده خاطر متردد است لهذا قاصد فرستاده شد لازم که از احوال خیریت اشتمال
اطلاع دهند که خاطر اطمینان بهم رسد در خواندن و نوشتن سعی موفور بکار برند که سعادت کونین در تحصیل علم
است هرگز غافل نباشند جاهل نمانند زیاده والدعا مکتوب شصت و چهارم برخوردار نور الابصار راحت القلوب
عبدالکریم پیوسته از عمر و زندگانی مالامال کامران باشند بعد ادعیه وافیه شوق [illegible] آثار مکشوف خاطر باد
خط مسرت نمط رسید باعث انشراح خاطر گردید از تکلیفات خرچ که نوشته بودند هنوز زر وجه طلب از سرکار نیافته و وجه
طلب از سرکار می برآید خرچ معقول خواهم فرستاد الحال مبلغ یکصد روپیه از خزانچی سرکار بطریق قرض گرفته فرستاده شد
لازم که بکار ضروری خرچ خواهند نمود در تحصیل علم غافل نباشند که امتیاز و عزت مردم از هنرست زیاده دعا
والشوق مکتوب شصت و پنجم برخوردار کامگار اقبال نشان همواره از عمر و دولت کامران و کامیاب باشند بعد دعا
مزید حیات و ترقی درجات مطالعه نمایند خط مرسله وصول نموده باعث نشاط گردید از عنایت بندگان نواب صاحب قبله
دام اقباله بحال آن بلند اقبال سعادت مآل بانعام سواره و یکهزار پیاده خبر از آنها که تعلیم آورده بودند [illegible] سبحانه

مبارک ساخته روز بروز ترقی بمراتب گرداناد و دنیا بطلب سواران که نوشته بودند انشاء الله تعالی بهر قدر
سواران که بهم میرسند فرستاده میشوند زیاده جمعیت و کامرانی باد مکتوب ۶۶ شصت و ششم برخوردار
سعادتمند قرة العین غلام حسین طول عمره بعد دعای بدرجات شوق دیدارست آثار واضح باد احوال اینجا
بفضل مستوجب شکر است و سلامتی آن نور چشم مطلوب بدیرست از احوال آنجا کامگار اطلاع ندارد لهذا آدم
فرستاده شد لازم که والدت خود را نیز بخاطر جمع آرند که خاطر جمع گردد و یک قبضه کمان برای آن برخوردار فرستاده
خواهد رسید باید که استعمال تیراندازی نمایند که جوانمردی هنر نیکست تیر آرند و بسیف بقا رزین باد مکتوب شصت
و هفتم برادر عزیز و اقرب سعادت آثار همواره در حفظ حافظ حقیقی بوده کامیاب و شاد کام باشند بعد خواهش دیدار
و شوق دیدار مسرت آثار مکشوف خاطر مودت ذخایر باد احوال اینجا مقرون بحمد است و سلامتی آن سعادتمند
حضرت سبحانه تعالی مطلوب خط بهجت نشاط بوصول نمود و الامال انشاء الله خرمی حاصل برای قبول کردن شادی برخوردار
ستوده خصال اقبال مال که نوشته بودند اگر مشفقه کریمه والده ماجده را بدینجا امر خوشی مبارک حضرت
مختار اجازت باشد زیاده دعا مکتوب شصت و هشتم برادر بجان برابر سید غلام الله
اسد عمره بعد ادعیه وافیه و شوق دیدار مطالعه نمایند و بدانند که احوال اینجا مقرون بشکر الهی مسرت خبر عزیز از جان
دائما است عاید اینجانب بفضل الهی در سرکار غلام علیخان برابر انشاء الله
بعد چندی از خرج محصول فرستاده میشود باید که بخاطر جمع در تحصیل علوم شرعی بکمال بکار برد و از تحریر خیریت
دارند نسخه بهار دانش برای مطالعه آن بقیمت ۳ روپیه خریده فرستاده شد خواهد رسید زیاده دعا مکتوب
شصت و نهم برادر بجان برابر که از جان بهتر خوشتر لا زال بهره ور باشند
بعد دعوات بدرجات شوق دیدار مسرت آثار واضح باد درین ولا بحمد رب المعبود که حال و سلامتی
آن ستوده صفات ساعت بساعت یکسان برای طلب آن فرستاده بودم
هیچ احوال دریافت نیامد که چه سبب انتظار کشیده نامه فرستاده شد لازم که حقیقت

برادر کامگار باشند اطلاع دهند که خاطر جمع شود زیاده بجز شوق چه نویسد مکتوب هفتادم برادر کامگار
شایسته کردار طول عمره بعد دعای مزید حیات تحیت آیات مکشوف باد خط مسطور رسید باعث انبساط خاطر گردید
برای سیدان اینجانب جهت تشخیص مواضع بهوانی پور نوشته بودند برادر من اتفاق آمدن هیچ چند روز نمی افتد ناگزیر
شما باتفاق بهائی کنور سین جمع آنجا بوجه حاصل فیصل کنند و از زمینداران قبولیت گیرند و از مهر خود
پیشه نوشته دهند که ساخته پرداخته آن کامگار منظور است زیاده بجز شوق چه نوشته آید مکتوب هفتاد و یکم
برادر عزیز وافر تمیز شایسته که از صحیفه اطوار همواره خوشوقت و شادکام باشند بعد دعای مزید عمر و شوق دیدار
راحت آثار مکشوف خاطر عزیز باد مستمع شد که آن سعادتمند انشا آموز نحو و صرف فضیلت کمالات دستگاه
مولوی سید عبد [illegible] تحصیل علوم عربی نموده اند خدا امیدوار که بشوق باطن آن کامگار طبیعت نهایت حرص
بهم رسید باید که سعی بلیغ بکار برده علم صرف و نحو کما ینبغی یاد گیرند اگر علم منطق و معقولات تحصیل نمایند
اولی است الی هذا القدر برای علم فارسی ضرور است عالم الغیب لعله یعیش مع السعاده فائز گرداند مکتوب هفتاد و دوم
عزیز القدر سلوک کرام خوشوقت باشند خط مسرت افزای خاطر رسید خوشی و خرمی حاصل گردید ارادهٔ خود که تلاش روزگار
بطرف عظیم آباد نوشته بودند درین زمان خدمت فوجداری پرگنات شاه آباد وغیره از حضور عالی تعالی
اینجانب مقرر شده است اگر اینقدر راست می آید خانه شما است چرا سفر دور و دراز اختیار خواهند کرد یکماه دیگر
در خانه بگذرانند انشاء الله تعالی همین جا نوکری میسر خواهد آمد زیاده چه نویسد مکتوب هفتاد و سوم برادر عزیز القدر
سعادتمند لائق و ارجمند محفوظ باشند بعد دعا و شوق آنکه یک راس اسپ کمیت در خانه رحیم خان سوداگر بقیمت مبلغ
پانصد روپیه فیصل شده است آن اسپ را خواهم خرید لهذا نوشته میشود که آن عزیز القدر زر قیمت اسپ از دکان [illegible] گرفته
بمالک بیانه بدهند اسپ را بخانه برسانند زیاده الدعا مکتوب هفتاد و چهارم عزیز القدر شیخ مسعود
بخیریت و بهبود باشند خط مرسله رسید بر حقیقت مندرجه اطلاع شد نوشته بودند که زمینداران [illegible]
دستک آنها از حضور [illegible] نوشته شما میرزا محمد بیگ وغیره پنج سوار کله پوش [illegible] دستک [illegible]

و تقید بلیغ نموده شد که بسرانجام شدید در باقی خریف را بوصول می‌آرند آن عزیز القدر زر موجودات را
همراه گرفته خود در حضور رسانند که بعضی مقدمات تعلق بر و برو دارد زیاده چه مرقوم شود مکتوب هفتاد و پنجم
عزیز القدر میر مظفر سلامت باشند خط مرسله رسید حقیقت مندرجه مطلع شد برای فرستادن پیادها تحصیل نوشته بودند
شیخ مطلوب وغیره پنجاه نفر پیاده تعین نموده شد باید که تا هنگام تحصیل نگاه دارند و یک صد روپیه ماهانه طلبانه
ازمال میداده باشند و وقتیکه تحصیل موقوف شود پیاده بارا روانه حضور خواهند نمود زیاده چه نگارش رود
مکتوب هفتاد و ششم سیادت و نجابت پناه میر فیض الله در حفظ الهی باشند خط مرسله رسید حقیقت مندرجه
آگاهی یافت از سرکشی زمینداران دهیات سوسا و عدم ادای زر نوشته بودند بتفصیل تعلق دجالبوسی زر باید که
انشاء الله تعالی از تشخیص این محالات فراغت کرده بآن ضلع کسیرسم و بدبختان را بسزا رسانم زیاده چه
مکتوب هفتاد و هفتم شیخت پناه شیخ قدرت الله محفوظ باشند سابق برای ارسال خزانه قلمی شده بود
هنوز انتظار بهاست چون تاکید حضور در باب ارسال خزانه متواتر میرسد لهذا قلمی می آید که بمجرد رسیدن
نوشته زر معقول فراهم آورده مرسل دارند و در صورت اهمال دستک خواهد رسید زیاده چه تاکید رود مکتوب
هفتاد و هشتم شجاعت و تهور دستگاه دلاور خان در حفظ الهی باشند عرضی ایشان رسید کوائف مندرجه
معلوم شد وعده ارسال بتاریخ هشتم شهر حال نوشته بودند امروز دهم این ماه است تا حال زر نرسیده
اینقدر خلاف نویسی پسندیده نیست باید که بساعت رسیدن پروانه زر معقول ارسال دارند و آینده را از
خلاف نویسی دست بردارند که در حق شما خوب نیست مکتوب هفتاد و نهم خصوصیت و اخلاص دستگاه کشور رای
محفوظ باشند مسموع شد که زمینداران موضع رام گده از تالاب که بر سرحد آن موضع است زمینداران لچهمی پور را
برای قطعات مزروع آب نمیدهند زراعت خشک میشود لهذا قلمی میگردد که تحقیقات معقول پرداخته زمینداران
رام گده را تاکید نمایند که از معمول انحراف نکنند زیاده چه نگارش رود فصل سوم بطرف مساوی تالیف
مکتوب هشتادم میر صاحب مهربان قدردان سلامت بعد سلام خیریت انجام مشهود ضمیر منیر میگرداند

چهرهٔ وصول افروخته بر حقیقت خیریتهای سامی آگاهی داده مبتهج و مسرور گردانیده نوشته بودند
که قیمت اسپ کی از آن کمال الخان بمبلغ پانصد روپیه فیصل شده است و از این کم نمیشود چون این جانب را
اسپ ضرور درکار است امید که آن مهربان اسپ را مع سوداگر در اینجا بیارند که زر حوالهٔ مالکش نموده اسپ
گرفته شود زیاده چه بر طراز د مکتوب هشتاد و یکم شیخ صاحب مهربان مخلصان مسلام بعد سلام و
شوق ملاقات مسرت آیات مکشوف رای نموده می آید نامهٔ خلاص آمود وصول نمود و باعث نشاط و انبساط
وافر گردید یک حقه و قیچه که از راه مهربانی بدستور فرستاده بودند رسید بغایت خورسند گردانید
او سبحانه تعالی خانه آباد و دولت زیاده گرداند مکتوب هشتاد و دوم میرزا صاحب مهربان کرمفرمای
نیازمندان مسلام بعد اظهار مراسم نیاز و آرزوی حصول صحبت مواصلت تمام بهجت مشهود ضمیر اشراق تصور
گردانیده می آید دیر است که از ارقام مهربانی نامه منبسط نساخته اند دل مشتاق منتظر است قاصد را
برای دریافت خیریتها فرستاده شد متوقع است که از مژدهٔ خیریت ذات فرخنده صفات و روداد لشکر ظفر پیکر
مفصل اطلاع دهند که خاطر جمع شود زیاده بجز شوق چه نویسد مکتوب هشتاد و سوم خان صاحب
مهربان قدردان مسلام بعد سلام و آرزوی ملاقات سامی مشهود رای عاطفت افزا میگرداند مهربانی نامه
ورود نموده نشاط وافر بخشید ارادهٔ لشکر فیروزی اثر تا تاریخ هفتم شهر حال و طلب یکصد شتر جهت بار کردن
نوشته بودند مهربانا من بعد روشن است که میر فتح علی شتر را بنابر برات بسر خود برده اند و الا که از آن
آنصاحب است دیگر هرچه مطلوب باشد بی تکلف اطلاع دهند که در ابلاغ آن هرگز قصور نخواهد شد ایام جمعیت
و شادمانی مستدام باد مکتوب هشتاد و چهارم میر صاحب قدردان مسلام بعد تقدیم سلام و نیاز
و آرزوی گرامی خدمت فیض موهبت ضمیر منیر نموده می آید بوصول الطاف صحیفه مشمول بهجت و خرمی گردید بتاریخ
شانزدهم ربیع الآخر شادی کتخدائی میر فتح علی طلب انجام نوشته بودند صاحب من هرچه در خانه خیر
است از خود تصور نمایند هرگاه که دو سه روز تاریخ برات باقی ماند کسی دم معتبر روانه خواهند نمود هرگاه آن خواهند

زیاده شادمانی و کامرانی باد مکتوب هشتاد و پنجم خانصاحب مهربان توجه فرمای مخلصان سلامت
بعد سلام خیریت انجام و تمنای دریافت وصلت سامی مکنون رأی عالی الفت فرمای گردانیده می آید امسال
درباغ دوستدار درختان ترنج بار نیاورده اند درینولا یک صد ترنج برای مربا مطلوبست اگر درباغ شریف باشند
البته عنایت فرمایند شجرهٔ مراد بارور باد مکتوب هشتاد و ششم لاله صاحب مهربان قدردان سلامت
بعد سلام و آرزوی ملاقات مسرت آیات مشهود ضمیر منیر گردانیده می آید دیرست که از تحریر احوال خیر مآل
منشرح و فارغ البال نساختند انقباض خاطر بدرجه کمال ست امید از مهربانیهای دیرین آن ما که اکنون بعد
فراموشی از یاد خیرخواهان در عالم بیگانگی روا نداشته آینده برخلاف ماضی از ارقام احوال خیر مآل
منبسط باشند دوم آنکه شیخ سیر محمد برادر ما چاکری بهره اند خدمت سامی میشوند از انجا که خدمت این طایفه عالیه موجب
سعادت دارین ست اگر در سرکار خانصاحب گنجایش روزگار باشد دریغ توجه ننمایند و داشت زیاده چه بجز ازد
مکتوب هشتاد و هفتم لاله صاحب مشفق مخلصان سلامت بعد گذارش سلام و آرزوی دریافت
مواصلت سامی مکشوف ضمیر مهربانی تصور نموده می آید زبانی آیندگان از صوب دریافت شد که خدمت
وقایع نگاری پرگنه رحیم آباد وغیره از حضور فیض گنجور نواب صاحب قبله بنام خانصاحب علی خان صاحب
مقرر شده و خدمت پیشکاری خانصاحب بآن مشفق قرار یافته باستماع این خبر جمعیت از حد بیش شادمانی
و خرمی بحصول پیوست اگر این معنی مقرون بصدق باشد بمفصل اطلاع بخشند که خلاص مند بهره اندوز خدمت
سامی گردد عیشها همقرین روزگار فرخنده آثار باد مکتوب هشتاد و هشتم دیوان صاحب مهربان
قدردان سلامت بعد سلام و تمنای گرامی خدمت مشهود ضمیر منیر میگرداند صحیفهٔ مهربانی آمود وصول نموده
همقرین بهجت و نشاط ساخت بنابر وجه رسوم خود ایما فرموده بودند بنده در تدبیرست این مرتبه تکمیل
مع زر قسط بحضور میرسد وجه رسوم شریف را علیحده حواله خواهد نمود بخدمت سامی خواهد رسانید مخلص را
وابستهٔ مهربانی های خود تصور نموده بایمای خدمات لایقه یاد فرما باشند که بتقدیم آن موجب خوشنودیست

دولت و اقبال روزافزون باد مکتوب ۸۹ هشتاد و نهم دیوان صاحب مهربان قدردان مسلّم
کپل را برای حصول اخلم کچهری فرستاده بودم ظاهر استصدیان کچهری بی تحریر داخلم نویسند چون
معمول بنده نیست که چه تحریر تا آخر سال میرساند درینصورت امید که بمتصدیان تاکید شود که داخل کپل را
نوشته دهند انشاء الله تعالی زر تحریر بعد بیباقی زر سرکار رسانیده خواهد شد زیاده چه نوشته آید
مکتوب ۹۰ نودم دیوان صاحب مهربان قدردان مسلّم بعد سلام شوق ملاقات سامی مشهود ضمیر منیر
نموده می آید مهربانی نامه مشتمل بر فرستادن فراریان موضع رحیم پور علاقهٔ بنده استقامت میدارند
رسید موجب انبساط خاطر گردید صاحب من فی الواقع فراریان مسطور در موضع مذکور بلا اطلاع بنده
استقامت کرده بودند وقتیکه اطلاع شد فراریان علاقهٔ سامی را در علاقهٔ خود جا دادن
مناسب ندیده فی الفور بدر نمود اگر مبود البتّه استمال نموده بخدمت سامی میفرستاد زیاده بجز شوق
چه نویسد مکتوب ۹۱ نود و یکم شیخ صاحب مهربان سلامت گوپال مقدم موضع دیوانی ده علاقهٔ سامی
مبلغ پنجاه روپیه از زمونامی زمیندار علاقهٔ بنده بطریق قرض بوعدهٔ فصل ربیع گرفته بود حالا که
وعده رسیده را دا کردن حیله و حواله مینماید چون مقدمه طرفین بخدمت مقدم مسطور را نزد خود
طلبیده تاکید مزید فرمایند که از بدمعاملگی دست بردار شده زر قرضه را بموجب اقرار ادا نماید زیاده
چه بطراز د مکتوب ۹۲ نود و دوم میرزا صاحب مهربان مسلّم رعایای موضع کمار اظهار نمودند
که اسامیان موضع باندا و علاقهٔ سامی اراضی پنجاه بیگه از موضع کمار اتر دو کاشت کرده بودند
محصول آنرا میخواهند که متصرف شوند چون مقدمه فیمابین واحد است لهذا متصدع میشود که
اسامیان مرقوم را مانع باید شد که در زمین مزبور دست انداز نشوند زمینداران پنج ده را جمع نموده
از روی پنچایت فیصل کرده دهند اگر زمین کمار اقرار یابد حاصل آنرا بموجب بر بست دو بمالک
برسانند و اگر زمین باندا ثابت شود مختار اند بانفصال این قضیه ضرور است زیاده چه نوشته آید

مکتوب ۹۳ نود و سوم میرزا صاحب مهربان سلامت خط سامی وصول نمود حقیقت مندرجه نوشته شده بود
اطلاع دست داد تقاضای زر قیمت اسپ که نوشته بودند صاحب من تامل بر بنده تقاضای
زر سرکار بسیار است پروانجات از حضور متواتر میرسند اگر زر در ارسال نمی آید دستک سواران
اکثر پوشش تعیین میشود درینصورت چند روز دیگر توقف باید نمود که زر سرکار ارسال کرده وجه قیمت اسپ
الله بآن مهربان خواهم رسانید خاطر شریف جمع فرمایند زیاده چه نوشته آید مکتوب ۹۴ نود
و چهارم میرزا صاحب مهربان قدردان سلامت گرامی نامه وصول نمود منبسط و منشرح گردانید
در باب فرستادن یک دست جره ایما شده بود مهربان من امسال چهار دست جره خرید کرده بودم
یکی از آن محض ناکاره بر آمده است در پرواز و صید گیری خوب بر آمدند از آن جمله یک دست
که از همه بهتر بود مطابق ایمای سامی حواله رحیم بازدار نموده بخدمت خواهد رسانید
همیشه از مهربانی رقائم یاد فرما دلشاد افزا باشند زیاده چه برنگارد فقط

خاتمة الطبع

الحمد لله والمنة که درین زمان فرخنده توامان انشای دلپسند نافع مبتدیان مسمی
به دستور الصبیان من تصنیف منشی نوبت رای که از قدیم بکار آمد مدارس
و مکاتب است و بسبب سلاست عبارت و آسان فهمی مبتدیان بصورت تکمیل الکرس قدر علی
عقولهم صدها مرتبه در مطابع لکهنو طبع شده و بفضل الهی در مطبع منشی نولکشور که جلیه الطباع
اما چون مشتریان بسیار اند خریداریش منفود درست لهذا این مرتبه هم بنظر ثانی و حسن خط و صحت
مزین شده در شهر لکهنو بماه مئی سنه ۱۹۲۴ع زیور طبع پوشیده فیض رسان اطفال خرد سال گردید فقط